



[20.1001.1.25197126.2020.7.10.1.5](https://doi.org/10.25197/126.2020.7.10.1.5)

Etymology of Talysh Language's Domestic (Home) Vocabulary

***Aleksander Umnyashkin**

Abstract:

Carried out research of comparative domestic (home) lexicology of Talysh language in stratum of general Iranian linguistic indicated the urgency of the problem and necessity of conducting for wide comparison Talysh with Ancient and Modern Iranian languages what'll bring in the nearest future the valuable practical facts for Iranian Philology. In domestic (home) vocabulary of Talysh language has a lot of loanwords from other language's families. Article provides detailed etymological analysis of this loanwords.

Key words: Talysh language, etymology, domestic vocabulary, loanwords, Iranian languages

ریشه‌شناسی زبان معیشتی تالشی

*آکساندر اومنیاشکین

چکیده:

بررسی واژگان تطبیقی روزمره زبان تالشی در رشته‌ی ایران‌شناسی نشان از ضرورت مسئله و نیاز موجود برای مقایسه گسترده تالشی با زبانهای ایرانی باستان و مدرن دارد که در آینده نزدیک می‌تواند به زبان‌شناسی ایرانی مطالب واقعی با ارزش را ارائه دهد. در واژگان و واژگان روزمره این زبان، می‌توانید کلمات وام گرفته شده از زبان سایر خانواده‌ها را پیدا کنید، تجزیه و تحلیل دقیق اخلاقی آنها ارائه می‌شود. نمونه‌هایی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است نشان می‌دهد که بسیاری از اتصالات ریشه‌شناسی بین کلمات گمشده در تالشی مدرن و حتی در زبان فارسی باستان با استفاده از مواد زبان‌های هند و اروپایی، آلتایی و سامی قابل ترمیم است. این همبستگی‌ها به شما امکان می‌دهد تا باستانی‌ترین ظاهر کلمه مورد تحلیل را بازیابی کنید، پسوند‌های باستانی را در آن برجسته کنید، که این روزها دیگر به این صورت درک نمی‌شوند، برای تعیین اینکه چه معنایی در این کلمه در طول تاریخ توسعه آن تغییر کرده است. مکاتبات فاش شده غنیترین آثار برای بازیابی تاریخ باستانی کلمات، برای روشن شدن موضوعات پیچیده مربوط به اخلاق آنها است. یک مطالعه تطبیقی تاریخی از زبانهای خانواده ایرانی، که در دهه‌های اخیر به لحاظ مطالعه تاریخ و هر دو زبان فردی و گروه‌های اصلی ژنتیکی انجام شده است، مبنای کافی و محکمی را برای ایجاد توضیحی در این جنبه از کل خانواده ایرانی به طور کلی ایجاد کرده است.

کلید واژه‌ها: زبان تالشی، ریشه‌شناسی، واژگان داخلی، وام‌های واژگان، زبانهای ایرانی

*مرکز آموزش زبانهای باستان و معاصر "گلسا" باکو، آذربایجان ittihaf@yahoo.com

پذیرش مقاله: 10-07-2020

دریافت مقاله: 11-05-2020

زبان یکی از حوادث قدیمتر و مهمتر اجتماعی می باشد. توجه علمی به زبان به عنوان حادثه تاریخی در قرن نوزدهم موجب پیدایش رشته وسیع زبانشناسی – مقایسه ای تاریخی گردید. گل سر سبد اولین مطالعات مقایسه گرایان پیدایش ریشه شناسی و تحلیل ریشه ای کلمه شد. (6) بعد از مقایسه ی ریشه شناسی تک تک کلمات و سپس ترکیبات زبان زبانشناسان به این نتیجه رسیدند که زبانهای هند و اروپایی از یک خانواده هستند و ریشه فارسی باستانی آنها بعدا با کمک تحلیل شباهتهای دستوری به اثبات رسیده است. (12) مبحث ریشه شناسی به عنوان قسمت زبانشناسی عبارت از کاوشهای منابع و فرایند شکلگیری واژه ها و بازسازی واژگان دوره ی باستان زبان می باشد. در واژگان هر زبان زخیره مهم واژه ها هست که شکل کلمه با مفهوم آن برای گویندگان بومی معلوم نیست. چون ساختار کلمه با مدلهای تشکیل کلمه در زبان زنده قابل توجیه نیست. هدف تحلیل ریشه شناسی کلمه مشخص می کند که چه وقت و در کدام زبان، در کدام مدل اشتقاق، بر اساس چه ماده زبانی و در چه شکلی و با چه مفهومی کلمه بوجود آمده است، همچنین در شکل و معنای اولیه اش چه تغییرات تاریخی اتفاق افتاده است. رابطه محکم زبان و فرهنگ ایران باستان با زبان و فرهنگ اقوام ولگا، اورال، سیبری، آسیای صغیر و مصر حدود شش-چهار هزار سال قبل از میلاد برقرار شده است که ملل ترک، اسلاوی، فینوگیگیک را تحت تاثیر خود قرار داده است. این تاثیر در دوره سه هزار- یک هزار پیش از میلاد قویتر شد و در هزاره اول و دوم بعد از میلاد در شرایط گسترش مسیحیت و اسلام از سرعتش کاسته شده است. ارتباط اولیه و خارجی زبانهای خانواده های مختلف واقعا خیلی جامع بود و کاملا غیر قابل اثبات باقی مانده است. (2) پژوهش آنها با روشهای مقایسه ای و تاریخی، نوع شناختی مقایسه ای بر اساس زبان گفتاری و نوشتاری نشان می دهد که گزارشهای این ارتباطات و نتایج آنها اهمیت بزرگ نظری و عملی دارند. این نتایج نه تنها برای زبانهای بزرگ و کوچک اروپا، آسیا، خاور نزدیک و حتی برای کشورهای مارییا هم اهمیت ویژه ای دارد. (10) یکی از باستانترین زبانهای ایرانی زبان تالشی است که در مورد آن خیلی کم پژوهش انجام شده است.

جدول پایه کلمات زبان تالشی در مقایسه با دیگر زبانهای هند و اروپایی

زبان تالشی	Манг	Нуй	Moâ	Новâ	шâв	выни	се	сийо	зард	Навз
زبان فارسی	Mâh	Now	Mâdar	xâhar	Šab	bini	se	siyâh	zard	Sabz
پشتو	myâsht	nəvay	Mōr	Khōr	Shpa	pōza	dre	tōr	zhaṛ	Shin

زبان روسی	Месяц	Новый	Мать	сестра	Ночь	нос	три	чёрный	жёлтый	Зелёный
زبان انگلیسی	month	New	mother	Sister	night	nose	three	black	yellow	Green
زبان اوستیایی	Мæй	нæу-æг	мад	Хо	Æхсæв	фындз	æртæ	сау	бур	Цъæх
زبان لاتینی	Mēnsis	Novus	māter	Soror	nox	nasus	trēs	āter, niger	flāvus, gilvus	Viridis
زبان آلمانی	Monat	Neu	Mutter	Schwester	Nacht	Nase	drei	schwarz	gelb	Grün
زبان اسپانیایی	Mes	Nuevo	madre	Hermana	noche	nariz	tres	negro	amarillo	Verde
زبان لیتوانیایی	Mėnuo	Naujas	motina	Sesuo	naktis	nosis	trys	juoda	geltona	Žalias
زبان بلغاری	Месец	Нов	майка	Сестра	Нощ	нос	три	черен	жълт	Зелен

تالشها قومی هستند که در جنوب آذربایجان (شهرستانهای لنکران، ماسالی، یاردملی، لریک و آستارا) و شهر سومقاییت سکونت دارند که این هم یک سوم مردم است، در باکو و اطرافش هم زندگی می کنند. علاوه بر این در پنج شهرستان گیلان و بعضی مناطق استان اردبیل ایران، در کنار دریای خزر و در کوههای تالش سکونت دارند. (13) تعداد تالشها در آذربایجان دقیق نیست و گزارشها خیلی متفاوت است. (از 76 هزار تا نیم میلیون) در آذربایجان مطالعات مخصوص انجام نمی شود که گویندگان زبان تالشی را می توان بر اساس آن آشکار کرد و زیر دست ما همان اطلاعاتی هست که از طرف انستیتوهای خارجی انجام یافته است. تعداد گویندگان زبان تالشی از جنوب از شهرستان آستارا به شمال تا رودخانه ویلش در شهرستان ماسالی کمتر می شود که در اوایل قرن بیستم مرز طبیعی بود که ب.و. میلر (3) به آن مرز شمالی مردم تالش گفته است.

زبان تالشی مربوط به گروه شمال غربی زبانهای ایرانی است و از لحاظ واژه شناسی یکی از غنی ترین زبانهای دنیا می باشد، واژگان آن عبارت از کلمات تالشی و ایرانی است. زبان تالشی از لحاظ ریشه ای مربوط به زبانهای شمال-غرب گروه زبانهای ایرانی است و با زبانهای کردی، بلوچی، گیلکی، تاجیکی، مازی،

امروزی، پاراچی، فارسی، دری، یاگنبی هم‌ریشه است. ولی شرایطی که اقوام کوچک قرار می‌گیرند جریانهای رشد زبان تالشی را هم تعیین می‌کند. زبان تالشی در رسانه‌های عمومی کاربرد ندارد: در صدا و سیمای آذربایجان برنامه‌هایی به زبان تالشی پخش نمی‌شود، چنین وضعیت در رسانه‌های عمومی هم مشاهده می‌شود. فقط روزنامه‌ی "تالشی صدا" با فاصله‌ها چاپ می‌شود. زبان تالشی فقط در کلاسهای اول و دوم دبستان بعد از کلاسهای اصلی تدریس می‌شود. بدین ترتیب در حال حاضر زبان تالشی زبان گفتاری قسمتی از مردم است، سبک نوشتاری آن (رسمی، علمی، رسانه‌ای و ادبی) خیلی کم موجود است و حتی می‌شود گفت اصلاً وجود ندارد.

برای فهم یک زبان باید به گویندگان آن زبان مراجعه کرد. واژگان یک زبان را نمی‌توان بدون درک خود گوینده‌ی همان زبان تحلیل کرد و قبل از همه واژگان زبان روزمره مردم را باید تحلیل کرد. معلوم است که زبان روزمره قدیمترین قشر هر زبان می‌باشد و همیشه مورد توجه زبانشناسان است. در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم زبان روزمره مورد توجه ویژه‌ی زبان‌شناسان قرار می‌گیرد، در حالی که مشکلات جهانی شدن، همگرایی و غنی شدن فرهنگها موجب حل و فصل تحمل مسایل ارتباطات بین فرهنگی از جمله مسایل افزایش کارآرایی آموزش واژگان زبان می‌شد. با اینکه زبانهای ایرانی یک ریشه واحد دارند، ساختار آوایی این گروه زبانها تفاوت‌های تلفظی دارند. [5,11] در زبان تالشی واحدهای واژگانی بر اساس قواعد آوایی زبان مورد تغییر زیاد قرار گرفته و کلا "تالشی" شده است. مثلاً:

س (سر) – این زبان در زبانهای باستان ایرانی به صورت "سره" تلفظ می‌شود، در زبان میانه یا پهلوی "سار"، بعدها در فارسی، تاتی، اوستیایی "سر"، در تاجیکی، بلوچی، یاگنبی، افغانی، ایشکاشیم "سار"، در کردی "سری/سر" تلفظ می‌شود.

اسب – در زبان فارسی باستان به شکل "اسپا" در فارسی میانه "اسپ"، در فارسی امروزی "اسب"، در زبانهای کردی "هسپ//اسپ"، تاتی، افغانی "اس"، در اوستیایی "افسه" تلفظ می‌شود.

هفت – این عدد در زبانهای باستان به شکل "هپتا"، در میانه و امروزی "هفت"، در زبان تاتی "هف//هفتا"، در بلوچی "آپت"، در کردی "هوت"، یاگنبی "آفت"، در اوستیایی "آود"، در افغانی "آوو"، زبانهای یازگولم و ایشکاشیم "اوود"، در تاتی و تالشی "هفت" تلفظ می‌شود.

"ترس" – این فعل در زبانهای فارسی باستان، همچنین در فارسی میانه، تاجیکی، تالشی به صورت "ترس"، در فارسی امروزی، تاتی، کردی، اوستیایی، یاگولم "ترس"، در بلجوی "تروسس"، در ایشکاشیم "تیروس" تلفظ می‌شود.

حقایق زبان در مورد زبانهای ایرانی نشان می‌دهد که در یکی از آنها ویژگی‌های متعدد زبانهای باستان فارسی حفظ می‌شود تا در دیگران کمتر. در زبان تالشی ویژگی‌های باستانی زبانهای ایرانی در حد بیشتر حفظ شده است. ویژگی صدای اوستا و فارسی میانه صدای اولیه "و" در زبان تالشی حفظ می‌شود در حالی که در زبان امروزی فارسی این صدا به صدای "ب" تبدیل شده است.

زبان روسی	فارسی	زبان تالشی	زبان اوستایی
Ветер	Bad	vo	Vata
Много	Besyar	Ve	Vahyar
Дождь	Baran	Voş	Vara
Рай	Behešt	vəšt	Vahista
Снег	bərf	Va	Vafra
Лес	Bişe	vişə	varəşə
Нос	Bini	Vini	Vaena

عدد "بیست" در زبانهای فارسی میانه و تالشی به صورت "ویست" است، ولی در فارسی امروزی به شکل "بیست"، فعل "کاشتن" در فارسی میانه به صورت "وختن"، در زبان تالشی "ویته" اما در فارسی مدرن "بیختن" بیان می‌شود.

بدین ترتیب آموزش مقایسه‌ای واژگان شناسی زبان تالشی در لایه زبانهای ایرانی اهمیت زیاد دارد. نیاز به مقایسه تالشی و زبانهای باستان و امروزی ایرانی خیلی بیشتر است و این کار در آینده نزدیک می‌تواند به زبانشناسی ایرانی مطالب واقعی با ارزش را ارائه دهد. در واژگان این زبان می‌توان کلمات وام گرفته شده از زبان سایر خانواده‌ها را پیدا کرد. با در نظر گرفتن این واقعیت، واژگان زبان تالشی را بر اساس پیدایش به دو گروه تقسیم کردیم: نشانه‌های تالشی و دیگر زبان‌های ایرانی؛ نشانه‌های وام گرفته شده از زبان‌های دیگر. انتقال صدا در کلمات وام گرفته شده زیر دیده می‌شود:

واکه‌ها:

- " u, учуз > пул > пул " U>Y, پول > тула > тула " توله " душтаг > душтаг " زندان, زندانی > учуз, "
- " u > o, U در وسط و آخر واژه " ғоруғ > ғоруғ : جنگل, مراتع " борғу > борғу, /مته, "
- " ғоруғ > борғу " ғоллоғ > гуллуғ, "خدمت. "
- " u > и, U در وسط و آخر کلمه " овчи // офчи > овчу " شکارچی ғоруғчи > ғоруғчу, "
- " نگهبان مرتع " бојунбағы > бојунбағы, "گردنبند", ғоту > ғоту, "جعبه. "

" , көч > hөрмәт > hүрмәт " ه می شود "Θ > a, ы, e, ү, o, " , көл > "نمره", нөмрә > нүмрә "هویج", jеркөкү > jеркүкү "ناتتی", өкеj > огәj "کوکوچ", "гол > чамчө "ملاقه", чөмчө > өhdә > ehtә/etә "عهد", сөhbәт > соjбәт "صحبت", "көк > кок "چاق, چربی". "көрпә > көрпә "A > ә, "در وسط و آخر کلمه" тапанча > тәпончә "تپانچه: санчәх > санчаг", "سنجاق", "ғонәғ > гонәғ".

"A > o, газан > ғәзон " , лал > лол "گنگ", озғын > азғын "سرگردان", "این انتقال صدا اغلب در وسط و ابتدای کلمه مشاهده می شود

" , күнч > "خاویار", күрү > кыры "بی پروا" сүртүк > сыртығ "در وسط کلمه" ы, "күлч > "گلوله". "дүjmә > дыgmә "گلمه", күллә > гыүллә "и, "түфәнк > тифанг "کل: бүтөв > битов" "در وسط کلمه" * "тәфнәг", "и, "араjыш > араjиш "کمربند: җаjыш > ғәjиш "در وسط و آخر کلمه", "Араиш", "варли > варлы" ورتومند.

" , jанғы > "باروت", барыт > бүрүт "در: гапы > җапү "در وسط و آخر کلمه" B > y, "جانغۇ" "جشنگی". "B > e, "бығ > беғ" "در وسط کلمه", "سبیل",

صامتها

در قسمت صامتها ، عمدتا انتقال صدا زیر مشاهده می شود:

" , көзәл > "گلوله", күллә > гыүллә "سبزی: көjәрти > гегерти "J > r, " , гәшәнк > гәшәнг "جرگه", чәркә > чәрге "کنگ", күлүнк > кылынг "گوزәл" "جشنگ" و غيره.

این پدیده به دلیل این است که در زبان تالشی در زبان تالشی واج k وجود ندارد.

" , газан > "شکم", гарын > җарын "غاز: газ > җаз "G > f, x, " , отаг > "مهمان", гонаг > ғонәғ "شمشير", ғылынч > җылынч "Fәзон//Fәзән" "итоғ//үтоғ" اتاق.

انتقال G > x فقط در آخر کلمه مشاهده می گردد:

" чэхмэх > чэхмаш > ахмаг > ахмэх > ахмаг, "احمق".*

к, > Ж در هر جای کلمه " кәлем > кәләм > кәрпич > кәрпич, "آجر > кома",

" көк > кок "چاق، چربی" көрпә > корпе, "күрү > кыры", "خاویار".

استفاده از k زبان متوسط در مقابل واژه پشت "katib" ("a" دبیر) نتیجه دو زبانه بودن است، زیرا این پدیده فقط در گفتار افراد باسواد یافت می‌شود.

ما کلمات وام گرفته شده در زبان تالشی را به سه گروه شناسایی کردیم: (1 ترکیسم، 2 عربیسم،

(3) وام‌های مربوط به اسلاویایی و سایر زبانهای هند و اروپایی.

ترکیسمها: تالشها در همان قلمرو جغرافیایی در همسایگی آذربایجانی‌های ترک زبان زندگی می‌کردند، با اینکه این دو قوم که متعلق به گروه‌های مختلف زبانی بودند، قرن‌ها به دلیل اقتصاد متقابل، پیوندهای فرهنگی و اجتماعی خود نزدیک شدند و این پیوندها شرایط مهمی را برای ورود ترکیسم به زبان تالشی ایجاد کرد. امروزه در ترکیب واژگانی زبان تالشی چنین ترکیسمها وجود دارند که در یک زمان با اشغال یک جایگاه ویژه در واژگان زبانهای ترک از جمله آذربایجانی، اکنون از بین واژگان فعال زبان خارج شده‌اند و برخی نیز تنها در واژگان منفعل مانده‌اند. در دشت‌ها و کوهپایه‌های مناطق ماسالی و لنکران که جمعیت ترک زبان در شمال زیاد است تعداد بیشتری از کلمات ترک را در واژگان این مناطق در مقایسه با جنوب بیشتر می‌بینیم. در اینجا واژگانی کشف شده است از جمله:

آلد - در کلیه منابع مربوط به زبانهای ترکی، به جز مفهوم اصلی کلمه "قرمز"، معانی دیگری نیز وجود دارد که عبارت است از: "پوشاندن پوشش زین اسب"، "پوشاندن سر سرپوش عروس"، "روسی قرمز" [9] حتی در زبان اویغور، کلمه "ال" به معنای "میخک" به کار می‌رود. در زبان آذربایجان امروزی، کلمه "al" به معنی قرمز به عنوان صفت استفاده می‌شود. در فرهنگ لغت دیالکتیکی زبان آذربایجانی، به گویش‌های قزاقستانی و بردینی آن، معانی کلمه "دروغ"، "ترفند" آورده شده است. علاوه بر این، در بناهای نوشته‌های ترکی باستان، علاوه بر مفهوم "قرمز"، کلمه "ال" در معانی "حیله‌گر"، "فریب" نیز به کار می‌رود. نظر آ. رجیوف [8] در مورد کلمه "ال" بسیار جالب است که با استناد به اصطلاح‌شناسی این کلمه می‌نویسد: "در زبان آذربایجانی مدرن، این کلمه به معنای اصلی خود استفاده نمی‌شود بلکه به عنوان "فریب"، "فریفتن" است.

کلمه "آلد" از زبان ترکی باستان ترکی (اسم-فعل) به معنای "ال" شکل گرفته است. ممکن است

افعال به کار رفته در زبان آذربایجانی و مطابق ساختار مورفولوژیکی که به اجزای al + da و al + da + t

+ n تقسیم نمی شوند ، از نظر تاریخی نه با پسوند "دا" بلکه با پسوند "لا" بلکه عناصر بیگانه شکل گرفته اند. "n" و "t" (مانند افعال öyrät (یاد بده) ، öyrən (یاد بگیر) ، öyrəş (یاد بگیر)) انواع معنایی فعل را شکل می دهد ("t" - صدای اجباری فعل (شکل اجباری) ، "n" - شکل بازتابی ، "ş" یک شکل مختلط است). می توان فرض کرد که در فعل "alla" تغییر صدا "l" به "d" نتیجه انتشار است. لازم به ذکر است که شکل همان فعل "آلات" - برای فریب ، در آثار مکتوب ترکی به طور گسترده استفاده می شود [1].

م.رحیم اف ، با اشاره به عبارت "ald karde" در زبان تالشی ، متذکر می شود که اولین مؤلفه کلمه "ald" به معنای "دروغ" ، "ترفند" استفاده می شود ، و در مورد صامت "d" در کلمه "ald" استفاده می شود. به نظر ما ، در این شکل از این فعل نقش پسوند را ایفا می کند و نه بیشتر. در هر صورت ، شکی نیست که کلمه "ald" بر اساس اسم ترکی باستان "al" بنا شده است. [1] کلمه ترکی "ald" تقریباً در تمام لهجه های زبان تالشی استفاده می شود. جالب است که در زبان تالشی افعالی با اصالت ترکی "aldatmaq" و "aldanmaq" نیز وجود دارد. آنها به همراه فعلهای کمکی karde (برای انجام) استفاده می شوند و به شکل "aldatmış" و "aldanmış" می شوند ، به عنوان مثال: Mınış aldatmış karde (مرا فریب داد). Az aldanmış bedəm (من فریب می خورم).

الگو - این کلمه در تالشی به معنی "اندازه گیری ، اندازه" است ، به عنوان مثال: Kəybə qılqi peqət (اندازه گیری درب ها را انجام دهید) ، ülqi qəte (اندازه گیری ها را انجام دهید).

در زبانهای ترکی ، کلمه "qılqi" به اشکال آوایی مختلف رخ می دهد. بنابراین ، در زبان ترکمنی از آن به عنوان "ülnübi" استفاده می شود ، در زبان های آذربایجانی ، کومکی ، آلتایی ، قرقیز ، خاکس "ülqi" ، در زبان چاوشی "ölke" ، نوگی "ülqi" ، ازبکی "ulqi" ، اویغور "ülqə" ، در توین "üleqer"

وامگیری از زبان آذربایجانی. لازم به ذکر است که رابطه بین زبانهای آذربایجانی و تالشی به دوران باستان برمی گردد ، به ویژه که توسط واحدهای واژگانی موجود در زبان تالشی نشان داده شده است ، همچنین در آثار نوشته های ترکی باستان ثبت شده است ، به عنوان مثال:

B ʏ n g: andjand bʏngyş cardə "او در اندوه است". در فرهنگ لغت ترکی قدیمی ، ما آن را با همین معنی می بینیم: گا دا ، oylanım jita "در غم و اندوه پسرم ، اندوهناکم" [1 ، ص 124].

zynəjdəni fər nyje ، Kırtn Kırtn lyngishi heste "او دارای پاهای کوتاه است ، او نمی تواند به خوبی راه برود". در فرهنگ لغت ترکی باستان ما می بینیم - qirt saç "موهای کوتاه" qirt ot

"چمن کوتاه" [1 ، ص. 446].

Ғатығи һозо :F а т ы ғ: به اصطلاح چاشنى گوشت تالشى ، خورشت گوشت برای پلو .
 кардеро чыл кило гүжд лозиме هر سال "برای پخت و پز ғатығ به 40 كيلوگرم گوشت نیاز دارید.." در فرهنگ لغت ترکی باستان به معنای "افزودنی" آورده شده است [1 ، ص. 435].
 К ы р ч: در فرهنگ لغت ترکی قدیمی از آن به شکل qurc به معنی قوی استفاده می شود - bu
 işka edi qurc qatijer keräk "برای چنین موردی ، شما به مردی بسیار قوی و شجاع احتیاج دارید". [1 ،
 ч ы ғ - 167] Ym nyn ve kırce ، chyy dandong əj and nibəgate "این نان بسیار سخت است ، دندان
 های من نمی توانند آن را تحمل کنند."

علاوه بر این ، برخی از کلماتی وجود دارد که در لهجه ها و گویشهای های زبان آذربایجانی به کار
 می رود ، اما در زبان تالشی قدیمی ترین ظاهر آوایی خود را حفظ می کنند. این موارد شامل ، به عنوان مثال:
 ғ а ј ғ у / QAJYU / - çerigläрни - köp telim boldi uruşy el künlärni گ
 üllärdä köp telim boldi qajyu "بسیاری از نبردها بین سربازانشان وجود داشت ، [غمهای زیادی وجود
 داشت ، c07] و به و z / İKKİZ / - ikkiz oylan "دوقلوها" [1 ، ص. 207] ،
 ÇEKÜRGA / - çekürgä "ارتش ، / بزرگ / ، مثل ملخ" [1 ، ص. 143].

واژگان روزمره زبان تالشی از کلمات و اصطلاحات بی شماری استفاده می شود که علت اصلیش
 دو زبانه بودن جمعیت آن است. بیشتر آنها اسمی هستند که ما به شرح زیر طبقه بندی کرده ایم:

1. اسامی وسایل خانگی: бошхаб//бошһгаб // بشقاب "بشقاب" ، ғәзән//ғәзән "دیگ" күлғаби
 "جاسیگگاری" ، чамче "آبگردان" ، ғыјмә " ، گوشت چرخ کرده" ، сәрынч "کوزه".
2. نام لباس و جواهرات: doləғ "دولغش پاشنه بلند" ، "چکمه" chəkmә " ، "دستکش" әлчак " ، "کت
 " санчәх ، ренчәк " "سنجاق" ، "бојинбағи i" "گردنبند" "ғолбағи" "دسنبنд" "ахлығы" "خالیقی".
3. اسامی قسمتهای خانه: үтоғ "اتاق" ، ғапү "درب" ، очәғ "اجاق" ، тәвүлә "طویله".
4. نام سبزیجات و گیاهان: истот "فلفل" ، сармашығ "عشقه" күсәбоғдә "نوع گندم" ،
 "نوع گندم" гызылгүл "گل سرخ" ، гегәрти "سبزیجان" ، Гобә алмәси "نوع سیب قویا"
5. نام حیوانات و پرندگان: боғә "گاو" ، түлә "توله" ، ғаз "غاز" ، хорүз "خروس" ، дәјчә "کره اسب" ،
 чалаған "شاهین"
6. نام اصلحه: гыүллә "گلوله" ، тифанг "تفنگ" ، ғондәғ "قنداق" ، پشت تفنگ" топ "توپ" ،

- بешاتلән "پنجبار"، тәпончә "تپانچه"، ғылынч "شمشير"، топшоз "تورى"، ғошәлүлә "اسلحه" دو بشکه، "تفنگ"، ох "تير"
7. اسامى ادوات کشاورزى، وسايل نقلیه و قطعات آنها: әрәбә "عرايه"، ғырмәч "شلاق"، дәрғәз "پوسته"، jәһәр "زين"، котан "شخم زن"، шүм "شخم"، пәл "бил", хыш "خيش"
8. نامهای خويشاوندی: дәдә "پدر"، нәнә "مادر"، jәзнә "داماد"، балдүз "خواهر شوهر"، фәјнәнә "مادر شوهر"، бачәнәф "باجاناق"، фәјн "برادر زن"، нәнә "نامدرى" jәнғә "زنى كه عروس و داماد را همراهى مى كند"، елчи "خواستگار".
9. اسامى شغلها: гиәмичи "کشتيبان"، гәзетчи "روزنامه فروش"، гезәтчи "نگهبان"، дерзи "خياط"، гапүчи "دريان"، фәролчи "ديده بان"، ғоллоғчи "كارمند"، чәкмәчи "كفاش"، чобан "چوپان"، мешәбәги "جنگلبان"، әрәбәчи "درشکه چى"، овчи//офчи "شكارچى"، илхычи "دامدار"، ојнәш "عاشق"، чалғичи "توازنده"، тојбәги "داماد".
9. اسامى امراض: боғмә "ديفتري"، сарилығ "زردى"، ғызылчә "سرخك"، инәф "سرفه"، ғызмә "تب".
10. اسامى غذاها: фәјғәнәг "نيمرو"، бозбаш "آبگوشت"، долмә "دلمه"، говормә "گوشت سرخ کرده"، доғрәмәч "دوغ با خيار"، ғатығ "ماست".
11. اسامى گوناگون: чәргә "جرگه"، ортәф "شريک"، охшәр "شبيهه"، басәбас "شلوغى"، сорех "اخبار"، jүрд "مسكن"، сәк-сәкә "هوشيارى"، әмәғүни "روز كارى"، то "همسن"، тәкон "تكان"، доғ "داغ"، сығнәчәг "پناهگاه"، фәдәғән "ممنوع"، ғыјғәчи "مورب"، jәтәчәф "بستر".
- به نظر ما ، تأثیر کلمات وام گرفته شده با اصالت ترکی بر سیستم فعل زبان تالشی که توسط ما آشکار گردیده است بسیار جالب است. بنابراین ، در زبان تالشی ، برخی از افعال که بر اساس فعلهای کمکی "be" و "karde" شکل گرفته اند (قسمت اول از زبان آذربایجانی وام گرفته شده است (پسوند "miş") با صفت های فعل استفاده می شود.
- در یک زمان ب. میلر [4] هفده تا چنین فعل را نشان داد ، اما اکنون تعداد آنها بسیار بیشتر است ، به عنوان مثال: seçilmiş be (انتخاب شدن) ، görümiş be (ملاقات کردن) ، aldalmış karde (فریفته شدن) ، baştemiş karde (شروع شدن) در زبان تالشی ، اکثر افعال از این نوع که قبلاً تابعیت کسب کرده اند مترادف جایگزین با پیدایش ایرانی دارند ، به عنوان مثال: keçmiş be - dəvarde (پاس) ، seçmiş

karde - vjine (انتخاب شدن) ، **else** - azmiş be (گم شدن) ، qirəy karde - incimiş be (رنجیده شدن).

با وجود این واقعیت که ترکیب در واژگان روزمره یافت می‌شود ، اکثر کلمات از زبان لغوی ایران آمده است. کلمات وام گرفته شده به سختی از لحاظ معنایی و آوایی با "نمونه‌های" ترکی خود متفاوت است. این نشان می‌دهد که این وام‌ها از زمان‌های اخیر است: حدود قرن نوزدهم و بیستم ، یعنی دوره‌ای که ابتدا آذربایجان به عنوان یک واحد سرزمینی امپراتوری روسیه شناخته شد ، و بعد از آن یکی از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی. باید توجه ویژه‌ای به این نکته داشت که زبان آذربایجانی درصد بالایی از واژگان غیر ترک را دارد: کلمات عربی ، فارسی. این امر تجزیه و تحلیل واژگان تالشی را برای وام گرفتن دشوار می‌کند: بعضی اوقات مشخص نیست که این کلمه وام گرفته شده از ترکی است یا به عبارت مشروط ، یک کلمه "مسلمان کلی" با اصالت فارسی یا عربی است. ترک کردن زبان تالشی همچنین با سیاست تغییر نام اصطلاحات نیز تسهیل می‌شود ، به عنوان مثال: نام مراکز منطقه‌ای لنکون (در لنکران) ، لیک (لریک) ، اوسترو (آستارا) ، ماسالو (ماسالی) ، روستاهای اوزوبیزهون (در گونشلی) ، مادو (در محمودوار) ، آکون (آرکیوان) ، آرچون (آرچیوان) ، راکانو (چایغیراقی)

وامگیری از زبان عربی. در واژگان زبان تالشی کلمات زیادی با منشأ سامی و حامی وجود دارد. این وام‌ها عمدتاً از اسم تشکیل شده است و به دو گروه تقسیم می‌شوند: 1) وام‌های عربی که دچار تغییر آوایی نشده‌اند. 2) وام‌های عربی که دستخوش تغییر آوایی خاصی شده‌اند.

وام‌های عربی ، که در گروه اول قرار داشتند ، به زبان تالش تغییر یافتند ، عمدتاً از طریق زبان آذربایجانی ، **abad, aid, alicənab, amin, bəzi, bələd, daim, dəbbə, dərs, dərc, elm, əməl, əmr, zat, zəlil, ziyarət, zillət, idarə, missal, mədəni, məktub, millət, rəhmət, sənət, sərf, tabe, tale, tarix, təbliğat, tüccar, üzr, xələt.**

وام‌های عربی موجود در گروه دوم با قوانین آوایی زبان تالشی مطابقت داشت: ox1 (پایان) ، **əzob** (عذاب) ، **mamü // amü** (دایی ، پدرا نه) ، **zəqqov** (تلخ) ، **(seyd)** ، سید **gəv** (تابوت). همانطور که توانستیم شناسایی کنیم ، خصوصیات آوایی زیر مشخصه وام‌های عربی در زبان تالشی است: الف) جایگزین کردن واکه "الف" با مصوت "o": **kitob** (کتاب) ، **ociz** (درمانده) ، **dələlət** (اثبات) ، **dələlöl** (واسطه‌گر) ، **imom** (امام) ، **kofir** (هیرتیک) ، **kosib** (فقیر) ، **libos** (لباس) ، **mısmor** (ناخن) ، **rozi** (محتوا).

ب) (جایگزین کردن واکه "الف" با مصوت **od** (odəm "ə": آدم)، **əmon** (امان)، **zəmon** (زمان)، **hələl** (حلال)، **hərom** (حرام)

ج) به این دلیل که در زبان تالشی واژگان "ö" و "ü" در وام های عربی وجود ندارد ، جایگزینی آنها با سایر مصوت ها مشاهده می شود: **dəvlət** (دولت)، **zikom** (زکام)، **dıvo** (دعا)، **rüf** (روح)، **nür** (نور)

د) (جایگزین کردن صامت "q" با "ğ": **ğab** (قاب)، **ğanun** (قانون)، **ğäləm** (قلم)، **ğıbon** (قربان)، **ğəlb** (قلب)، **ğənd** (قند)

وامگیری از زبان اسلاوی. ورود آذربایجان شمالی به روسیه زمینه را برای ورود برخی اسلاوها به زبان تالشی و همچنین زبان سایر اقوام ، برای مدت طولانی در کنار هم زندگی کرد و متعاقباً شکل گیری اتحاد جماهیر شوروی این روند را تقویت کرد. در نتیجه ، به همراه زبان سایر اقوام ساکن در اتحادیه ، انتقال اسلاوها و همچنین به کمک زبان روسی و نشانه ها از زبان سایر اقوام اتحاد جماهیر شوروی به زبان تالشی شدت گرفت.

علیرغم این که وامهای روسی از طریق زبان آذربایجانی به زبان تالشی وارد شد ، آنها با قوانین آوایی زبان تالشی مطابقت داشتند که در جدول زیر به وضوح مشاهده می شود:

زبان روسی	زبان آذربایجانی	زبان تالشی
Акт	Akt	əxt
Банка	banka	bənkə
Вагон	vaqon	vəğon
Магазин	mağaza	məğəzen
Мотор	motor	Matür
Самовар	samovar	siməvar
Станция	stansiya	ıstansiye
Печь	Peç	Piç
Шкаф	Şkaf	Işkaf

شایان ذکر است که وام های از زبان روسی ، مانند عربی ، فقط از اسم تشکیل شده است. همانطور

که در وام های سایر زبانها ، در روسیزم ، واکه "الف" جای خود را با "واکه" روسیزم جایگزین می کند ،

مقلا، **əğrənom** (کشاورز)، **bənq** (بانک)، **rəyon** (شهرستان)، **səlon** (تالار)، **bütülkə** (بطری)،

pensiyə (باز نشستگی)

نمونه‌هایی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است نشان می‌دهد که بسیاری از اتصالات ریشه‌شناسی بین کلمات گمشده در تالشی امروزی و حتی در زبان فارسی باستان با استفاده از مواد زبانه‌های هند و اروپایی، آلتایی و سامی قابل شناسایی است. این همبستگی‌ها امکان می‌دهد تا باستانی‌ترین کلمه مورد تحلیل را بازیابی کنیم، پسوند‌های باستانی را در آن برجسته کنیم، که این روزها دیگر به این صورت درک نمی‌شوند، و مشخص کنیم که چه تغییراتی معنایی در این کلمه در طول تاریخ طولانی توسعه آن به وجود آمده است. ارزشمندترین نوشته‌ها برای بازیابی تاریخ باستانی کلمات، برای روشن شدن موضوعات پیچیده مربوط به اخلاق آنها است. یک مطالعه تطبیقی تاریخی زبانه‌های خانواده ایرانی، که در دهه‌های اخیر به لحاظ مطالعه تاریخی هر دو زبان فردی و گروه‌های اصلی ژنتیکی انجام شده است، مبنای کافی و محکمی را برای ایجاد توضیحی در این جنبه از کل خانواده ایرانی به طور کلی ایجاد کرده است.

منابع و ماخذ:

- ##-Древнетюркский словарь//под ред. Наделяев В.М., Насилов Д.М., Э.Р.Тенишев и др. Л., Наука, Ленинград 1969
- ##-Лингвистический энциклопедический словарь// М.: Советская энциклопедия, 1990
- ##-Миллер Б.В. Талышские тексты // М.: 1930
- ##-Миллер Б.В. Талышский язык // Издательство Академии Наук СССР. М.:1953
- ##-Персидско-русский словарь: в 2-х томах// под ред. Ю. А. Рубинчика. 3-е изд., 1-й том; Т. II от ڙ до ۛ стереотип. М., 1985. Т. I от ۛ до ۛ
- ##-Пизани В. Этимология// М.: Наука, 1956.
- ##-Рагимов М. Значение неродственных языков на территории Азербайджана в сравнительно-историческом изучении тюркских языков огузской группы// Журн. «Советская тюркология», 1971, №2, с. 54-55
- ##-Раджабов А. Тюркизмы в талышском языке//АГУ, Баку, 1984
- ##-Сравнительно-историческое изучение языков разных семей. Современное состояние и проблемы// М.: Наука, 1981

- ##-Таджикско-русский словарь// под ред. Е. Э. Бертельс. М., 1954
- ##-Трубачев О. Н. Этимология. Принципы реконструкции и методика исследования// М.: Наука, 1965
- ## -Умняшкин А.А. Морфология соматической лексики талышского языка. «Вестник ВЭГУ», №3(53), стр.107-113
- ## -Хаджатпур Х. Талышский язык Гиляна : Хушобарский говор// Диссер. канд. филол. Наук, Душанбе, 2003
- ## -Clifton J. M., Tiessen N. The Sociolinguistic Situation of the Talysh in Azerbaijan // SIL International 2005
- ##- Stachowski S. Die Turkischen Lehwörter im Talyschischen // 1983